

<https://www.aftabekherad.ir>

## **A Pathological Assessment of the Methods and Trends of the Seminary and the Clergy**

Mohammad Hadi Fallahzadeh

Researcher in the field of religion and social issues

**Recieved: 2017/01/06**

**Accepted: 2017/01/19**

### **Abstract**

The Shiite clergy has the responsibility and mission of defending religious principles, expanding and propagating religious ideas based on Islamic teachings. What places this fundamental institution in the position of a religious, political and even social reference group is the social capital, the extent of trust and attachment that exists towards them in the public arena. Maintaining these social capitals requires careful considerations that must be carried out with continuous care, accurate assessments, continuous corrections and repairs to prevent the emergence of a negative mentality that can erode the great capital of social trust. By reflecting on some of the current trends, we can point out issues that, as potential and actual disruptive factors, can be the source of deepening mentalities that affect the process of public trust towards the clergy. Characteristics such as the preference for theoretical discussions over social functions, criticisms and intra-discursive and political conflicts, lifestyle patterns, the emergence of superficial thinking trends and their lack of timely management, the weakness of mechanisms for defending society against pathological processes, decoding invisible areas attributed to the clergy, are among the areas whose functional effects and consequences on social attitudes and evaluations cannot be ignored. It is by carefully examining and properly scrutinizing these areas that the emerging disorders can be prevented before they deepen, effectively managing and rethinking their erosive effects and consequences.

**Keywords:** clergy, seminaries, harms, lifestyle, trust, superstition, social harms.

## برآوردی آسیب‌شناختی از روش‌ها و روندهای حوزه و روحانیت

محمدهادی فلاح‌زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰

### چکیده

روحانیت شیعه مسئولیت و رسالت دفاع از مبانی دینی، بسط و تبلیغ اندیشه‌های مذهبی را براساس آموزه‌های اسلامی عهده‌دار است. آنچه این نهاد بنیادین را در موقعیت گروه مرجع دینی، سیاسی و حتی اجتماعی قرار می‌دهد، سرمایه‌های اجتماعی، دامنه اعتماد و دلبستگی‌هایی است که در عرصه عمومی نسبت به آنها وجود دارد. حفظ این سرمایه‌های اجتماعی مستلزم دقت‌نظری است که باید با مراقبت‌های مستمر، برآوردهای دقیق، اصلاح و ترمیم‌هایی مداوم انجام تا از بروز ذهنیت منفی که می‌تولند سرریزه بزرگ اعتماد اجتماعی را با فرسایش مواجه سازد، ممانعت نماید. با تأمل بر برخی از روندهای جاری می‌توان به موضوعاتی اشاره کرد که در نقش عوامل اختلال‌آفرین بالقوه و بالفعل می‌توانند منشأ تعمیق ذهنیت‌هایی باشند که روند اعتماد عمومی نسبت به روحانیت را تحت تأثیر قرار دهند. شاخصه‌هایی همچون ترجیح مباحث نظری بر کارکردهای اجتماعی، نقدها و تعارض‌های درون‌گفتمانی و سیاسی، الگوهای سبک زندگی، برآمدن جریان‌ات سطحی‌اندیشی و عدم مدیریت به هنگام آنها، ضعف مکانیزم‌های دفاع از جامعه در برابر روندهای آسیب‌شناختی رمزگشایی از ساحت‌های ناپیدا منتسب به روحانیت، از جمله زمینه‌هایی هستند که نمی‌توان آثار و عواقب کارکردی آن را بر نگرش‌ها و ارزیابی‌های اجتماعی نادیده انگاشت. با بررسی دقیق و موشکافی صحیح این زمینه‌هاست که می‌توان اختلالات پیش‌آمده را قبل از تعمیق، مدیریت و بازاندیشی کارآمد از آثار و عواقب فرساینده آن ممانعت کرد.

**مفاهیم:** روحانیت، حوزه‌های علمیه، آسیب‌ها، سبک زندگی، اعتماد، خرافه‌اندیشی، آسیب‌های اجتماعی.

<sup>۱</sup> پژوهشگر حوزه دین و مسائل اجتماعی - ffalahzadeh@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسأله

در شماره پیشین نوشتاری تحت عنوان گروه مرجع اجتماعی و دینی ارائه شد، در این مقاله تلاش خواهد شد با توجه به جایگاه و موقعیت روحانیت شیعه در بدنه جامعه ایران و نظام اندیشه شیعی، برخی از موضوعات و چالش‌هایی را که در این عرصه می‌تواند منشأ اختلافات گردد، مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

دین در ساحت قدسی خود از آنچنان جایگاهی برخوردار است که ذهن و ضمیر انسان‌ها را متأثر ساخته و ناخودآگاه آنان را به سوی سرشت و فطرتی که به سوی آن گرایش دارند، هدایت می‌کند. دین معرفت‌آفرین است، به سؤالات بنیادین بشر پاسخ می‌گوید، معنابخش است و دریچه‌های معنا را به سوی انسان جوینده می‌گشاید. دین هویت‌آفرین است و انسان‌ها را به سوی حقیقت خویش و سرچشمه‌های معنا هدایت می‌کند. دین، کاوش انسانی در جهانی که سرشار از رازآلودگی است را میسر ساخته و بر حیرانی و سرگستگی او پایان می‌دهد. دین به زندگی، آرمان‌ها، اهداف و پویای انسانی جهت داده و بر دنیای کدر، مه‌آلود و تردیدآفرین پایان می‌دهد. دین، منشأ نشاط، امید، احساس شادمانی، خوشبختی و رضایت درونی است و منشأ احساس ایمنی، آرامش، سکون و سکینه درونی است که در نتیجه رهایی از تناقض‌ها و تضادهای معرفتی حاصل می‌آید. دین با چنین کارکردهای بنیادینی مداوماً از جانب کانون‌های متفاوت مورد سوء استفاده، تهاجم و انحراف قرار می‌گیرد. چرا که با حقایق ذاتی، سرشت و نهاد اساسی انسان سروکار دارد و انسان‌ها ناخودآگاه به سوی آن گرایش دارند. تاریخ بشر سرشار از اتفاقات و حوادثی است که تماماً گویای این حقیقت هستند که دین مستمراً در معرض سوء استفاده و بهره‌برداری‌های انحرافی و تصویرسازی‌های کاذب و دروغین است. در دنیای جدید با توجه به اهمیت نقش دین و تأثیراتی که بر جامعه بشری داشته است، تهاجمات و برنامه‌های اختلال‌آفرین علیه دین شتاب مضاعفی یافته است. ضرورت دفاع از دین نه یک ضرورت، که یک اساس برای دفاع از هویت بشریت و تداوم حیات و زندگی انسانی است. هر نوع قصور، تجاهر و تغافل می‌تواند آثار ننگونباری بر بشریت تحمیل نماید که نمونه‌ها و نمادهای آن با هزاران نشانه در جهان امروزین و در میان ملل گوناگون قابل مشاهده است. دین مبین اسلام، مذهب تشیع و مکتب اهل بیت(ع)، اما بیش از هر الگوی دینی دیگری مورد تهاجم و تعرض هستند و جریان‌های متفاوت با هزاران ترفند و تلبیس، تلاش متزاید و

پردامنه‌ای برای فروپاشی آموزه‌ها و یا تصویرسازی‌های منحرفانه، آغاز کرده‌اند. روحانیت شیعه رسالت تاریخی دفاع از آموزه‌های اسلامی را عهده‌دار بوده است و آنچه امروز بشریت از آن بهره‌مند است نتیجه تلاش‌های صبورانه و مجاهدت‌های بزرگانی است که با پویایی، خردورزی و دفاع هوشمندانه، دامن دین از غیردین و خرافه زدوده و زلال ناب اندیشه دینی را برای بشریت به ارمغان آورده‌اند. اهمیت جایگاه روحانیت امروزه به گونه‌ای است که مصون از تهاجمات و تلاش برای تضعیف و تخریب جایگاه آن از جانب جریان‌های معارض در نزد جامعه نیست. هر نوع کوتاهی و قصور از جانب روحانیت و حوزه‌های علمیه در مقابل این تهاجمات نه تنها ساحت قدسی دین را در معرض انحراف قرار خواهد داد، بلکه انگاره‌سازی‌های منفی از روحانیت و دین موجب مشوه شدن معرفت دینی در نزد نسل‌های جدیدی خواهد شد که بیش از همگان در معرض تهاجم و تغییر قرار دارند. اشکالات و مشکلات درونی حوزه‌ها و نهاد روحانیت می‌تواند در نقش کاتالیزوری برای جریان‌هایی باشد که دین، روحانیت و تشیع را کانون برنامه‌های پردامنه تهاجمی خود قرار داده‌اند. آگاهی از این حقیقت مستلزم توجه و بازاندیشی در شرایط و بررسی آسیب‌ها و مشکلاتی است که در الگوهای رفتاری این عرصه وجود دارد. ضعف در بررسی و تحلیل این آسیب‌ها و عدم برنامه‌ریزی جهت بازاندیشی و مدیریت دقیق این شرایط، منشأ تعمیق آسیب‌ها و بروز تهدیداتی است که در چشم‌انداز آینده مخاطره‌آفرینی بیشتری خواهد داشت. در این گزارش تلاش خواهد شد بخشی از این اختلالات آسیب‌آفرین در عرصه‌های روحانیت و یا منتسب به عرصه‌های دینی مورد نقد و واکاوی قرار گیرد. گرچه گستره و دامنه مباحث بسیار فراتر از ابعادی است که در این گزارش مورد بحث قرار خواهد گرفت، اما این مقاله فتح باب و مقدمه‌ای است برای ورود به این موضوع بنیادین که هر روز ضرورت‌های تحلیلی آن بیش از پیش پدیدار می‌گردد.

با این توضیح تلاش خواهد شد برخی از ابعاد آسیب‌شناختی که در نقش برخی از مشکلات در عرصه حوزه و نهاد روحانیت با نسبت‌های متفاوت قابل مشاهده است، مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد.

#### ۱- ترجیح‌یابی مطالعات و مباحث علمی و حوزوی بر ساحت کارکردهای اجتماعی

در تاریخ روحانیت شیعه نمادها و شواهد فراوانی قابل مشاهده است که نگاه اجتماعی و توجه به مباحث، مسائل مردم و زندگی جمعی در الگوهای رفتاری و ترجیحات رویکردی روحانیت نه

تنها کمتر از طرح مباحث و یا کاوش‌های علمی نبوده است که بعضاً حتی ترجیح یافته است. تک‌ساحتی شدن روحانیت و حوزه‌های علمیه، بازگشت به گفتمانی است که دین را عاری از کارکردهای سیاسی و اجتماعی تعریف کرده و این نوع گفتمان‌سازی و معرفت دینی را برای صیانت از موقعیت دین و تداوم جایگاه آن در ذهنیت عمومی برجستگی می‌بخشد؛ یعنی دین عاری از توجه به مباحث اجتماعی، طرح مسائلی جمعی و تأکید یک‌جانبه برای تعمیق آموزه‌های دینی و طرح مباحث نظری در حوزه‌های تخصصی اعم از کلامی، فقهی، فلسفی و معرفتی. این نوع نگاه به دین که ماهیتاً فاقد جهت‌گیری و غیریت‌سازی است، امروزه از طرف جریان‌های متفاوت فرهنگی و برخی چهره‌هایی که تلاش دارند الگوهای بدلیل روحانیت را در موقعیت مرجع دینی معرفی نمایند و نیز برخی از چهره‌های حوزوی که به هر دلیل این نوع گرایش را ترجیح می‌دهند، تبلیغ و از جانب کسانی که رویکرد سیاسی دین را مغایر با اندیشه‌ها، اهداف و مطامع خود می‌دانند مورد حمایت قرار گرفته است. این در حالی است که آموزه‌ها و دلایل مقتضی برای کارکردهای سیاسی و اجتماعی دین در متون دینی و سیره نبوی قابل مشاهده است.

«پیامبر (ص) نیامد مدینه که بگوید من عقاید شما را اصلاح می‌کنم، احکام دینی را برایتان بیان می‌کنم شما هم یک نفر را به عنوان حاکم برای خودتان انتخاب کنید. چنین چیزی نبود، بلکه پیامبر آمد و از مه سیاست را به دست گرفت. ایشان از اول که وارد شد، خط‌مشی نظامی، سیاسی، اقتصادی و تعامل اجتماعی را طراحی کرد. چطور دین به خط‌مشی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی کار نداشته باشد و در عین حال همان پیامبر هم باشد»<sup>۱</sup> (رهبری معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۸/۱۷، به نقل از هاشمیان، ۱۳۹۴: ۳۳). حمایت از محرومان و بودن در کنار مردم می‌تواند یکی از بنیان‌های معرفت دینی باشد. «مسلم است هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملت‌های جهان به اسلام زیادتر می‌شود و روحانیت عزیز باید بر این اصل عمیق توجه داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزارساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند»<sup>۲</sup> (امام خمینی، ۱۳۶۶: ۳۱۲). این دیدگاه‌ها به خوبی بیانگر آن است که

۱. هاشمیان، سیدمحمدحسین و مهدی، مولایی‌آرایی (۱۳۹۴)، «الگوی هنجاری مشترک حوزه علمیه در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی

کشور»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، شماره ۴، بهار و تابستان

۲. روحانیت و حوزه‌های علمیه، (پیام امام خمینی به مسلمانان در مراسم حج، ۱۳۶۸)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۷)، چاپ

چهارم، ص ۳۱۳.

روحانیت باید حضور در کنار مردم، دفاع از آنان و حق و حقوق آنها را یکی از مسئولیت‌های بنیادین خود بدانند. تأکید بر دین و آموزه‌های دینی و طرح مباحث علمی، دینی و فقهی صرفاً در حوزه نظری بدون توجه به جامعه، مسائل، رویکردها و ترجیحات مردم، احساس فاصله اجتماعی مردم از روحانیت را به شکل مضاعف افزایش و آنها را در دو حوزه معنایی جای خواهد داد. امروزه بحث‌ها، صداها و یا رویکردهایی در حوزه قابل مشاهده است که نه تنها ورود به عرصه عمومی، بودن در کنار مردم و دفاع از حقوق و مشکلات مردم را اولویت رویکردی، گفتمانی و ترجیحی خود ارزیابی نمی‌کنند، بلکه تلاش دارند این رویکرد را در قالب‌های گفتمانی به طلاب جوان و دیگر روحانیون منتقل نمایند. این رویکرد تنها منشأ احساس فاصله اجتماعی روحانیت با مردم نیست، بلکه جامعه، مسائل، دغدغه‌ها و تمایلات خود را با آنچه روحانیت در محیط‌های علمی و فقهی خود جستجو می‌نمایند، متباین دانسته و یا حداقل هم‌نوا ارزیابی نمی‌کند. این رویکرد، روحانیت را در معرض این چالش قرار می‌دهد که آیا نگرش دین برای آخرت و محدودسازی کارکرد دین به رابطه انسان با خدا و بی‌توجهی به کارکردهای معرفتی، جامعه‌شناختی و حمایتی دین، مبدأ انزوای فزاینده دین، روحانیت و جایگزینی مرجعیت‌ها و کانون‌های حمایتی نوین به جای آنان نخواهد شد. ظاهراً این نوع مسائل برای کسانی که از این نوع گفتمان دفاع و دین را خارج از متن اجتماعی و صرفاً در پیوند با مباحث اعتقادی جستجو می‌کنند، چندان مورد اعتنا و تأمل نیست که پیامد و کارکرد چنین روندی چه خواهد بود. آیا جامعه گسسته از گفتمان دینی به سوی بدیل‌هایی که مسائل، دغدغه‌ها و مشکلات آنها را به شکل بایسته‌تری تحت پوشش گفتمانی قرار داده و نیروی نظری و اجتماعی را برای حمایت از مسائل مردم بسیج و الگوهای دیگری مناسب با خواست، دغدغه‌ها و مشکلات برای حل مسائل اجتماعی ارائه و خود در این روند نقش‌های خاصی عهده‌دار می‌شود، گرایش نخواهد یافت؟ گفتمان دینی که از مسائل و دغدغه‌های اجتماعی گسسته و حیطه خود را به عرصه‌های عبادی و اعتقادی محدود می‌سازد، خود به استقبال این کارکرد رفته است که مردم مجازند برای نیازهای اجتماعی، روان‌شناختی و اقتصادی خود به منابع و مرجعیت‌های دیگری که هم رویکرد و هم این احساس را پیدا کنند که ظرفیت متکامل‌تری دارند، رجوع نمایند. به طور طبیعی این نگرش گفتمانی، جامعه را مستعد گسستگی بیشتر از روحانیت و مروج گرایش به منابع جایگزینی که پشتیبانی‌کننده اجتماعی قوی‌تری هستند، خواهد کرد.

## ۲- تعارضات سیاسی و نقدهای افراطی

«رادیکالیسم بیانگر گرایش افراطی، بی قید و شرط و سازش ناپذیر است، علاوه بر این گرایش همه جانبه است که شمار زیادی از مسائل انضمامی را با حمله یا حمایت خویش می سازد»<sup>۱</sup>.  
افراط گرایان صرف نظر از تعلقات سیاسی دارای مختصات مشترکی هستند. از جمله این مختصات عبارتند از:

۱. خارج از جریان اصلی قرار گیرند و نظم موجود اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نفی کنند.
۲. افرادی با ذهن یک بعدی و افکار سیاه یا سپید هستند که می خواهند دنیا را پاکسازی کنند و با گفتار خود دشمنانشان را حقیر و پست جلوه دهند.
۳. به غیر از باورهای خود (که به شدت به آن تعصب دارند) هیچ نظر و رأی دیگری را تحمل نمی کنند و این مسأله را با خشم، رفتار تهاجمی و نفرت نشان می دهند.
۴. تمایلی به پذیرش نقد نداشته، مخالفین و منتقدین خود را ترسانده و یا تهدید می کنند.
۵. باورهای ثابت و ذهنی بسته دارند و معتقدند تنها یک حقیقت وجود دارد و آن نظر خودشان است.
۶. پیوسته انتظار دارند خواسته ها و دستوراتشان اطاعت شود (اشمید (با تلخیص)، ۱۳۹۴: ۵۷).<sup>۲</sup>  
افراط گرایی و رادیکالیسم نه تنها از منطق عقلانی و انتقادی تهی است بلکه در نقطه مقابل عقلانیت و اعتدال حرکت کرده و رفتارهای آن ناشی از برانگیختگی های روانی، مطلق گرایی و مطلق اندیشی، «خود مرکز بینی» و «خود کانون پنداری» و «خود حقیقت بینی» نشأت می گیرد. افراط گرایی از نوعی «تفکر ناقص» سرچشمه می گیرد و سپس به «افراط گرایی اندیشه» و «افراط گرایی در عمل» و رفتار منتهی می شود. صرف نظر از علل و بنیان های افراط گرایی، ابتلا به این بلیه آثار، عواقب و یا کارکردهای گوناگون را به فرد و جامعه وارد می سازد. کارکردهایی که گاهی ساحت منطق و عقلانیت یک جامعه را فرسوده و به سوی فروپاشی در اخلاق، انتخاب و رفتار عقلانی و انتقادی هدایت می کند. از نگاه کارکردی رادیکالیسم واجد کارکردهایی مثل: ۱) اوج گیری، شدت رفتارها و بی ملاحظگی فزاینده؛ ۲) جایگزینی تخریب به جای نقد؛ ۳) عبور از مرز مفاهیم، انصاف و گفتگو؛ ۴) الگوسازی

۱. آرتویت، ویلیام و تام، باتامور (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، ص ۴۶۷

۲. اشمید الکس، پی (۱۳۹۴)، افراط گرایی خشن و غیرخشن، دو روی سکه، ترجمه اکبر بتوئی از کتاب افراط گرایی در اروپا، سازمان فرهنگ و ارتباطات، انتشارات بین المللی الهدی، ص ۱۱۳-۱۱۱

در مناسبات اجتماعی خارج از تعقل؛ (۵) بدبینی و میل به تعارض و فروپاشی طرف مقابل؛ (۶) آموزه‌های غیرسازنده و فرسایش سرمایه‌های اجتماعی، انسجام و هماهنگی و همنوایی اجتماعی، را در پی دارد. این کارکردها حیات، ثبات، آرامش، مفاهمه و عقلانیت را از جامعه زدوده و منشأ بروز روابط اجتماعی مبتنی بر تخریب و تقابل هستند که متمایز با آموزه‌های دینی است.<sup>۱</sup> افراط‌گرایی و تعارضات سیاسی، جامعه را مستعد انواع آسیب‌ها و آسیب‌پذیری‌ها می‌کند و چنانچه این تخریب‌ها و افراط‌ها متوجه قشر خاصی باشند، این وضعیت منشأ گسترش این آثار کارکردی به آن قشر و سپس به دیگر اقشار اجتماعی است.

آنچه تأمل‌برانگیز است این است که طی سال‌های گذشته جریان‌های خاصی از متن منادیان مروج دین و گفتمان دینی و در لباس روحانیت رفتارها و رویکردهایی را آغاز کرده‌اند که کانون تهاجمات آنان متوجه بخش دیگری از روحانیت شده است. افشاگری‌ها، اتهام‌زنی‌ها، انتساب واژه‌هایی مثل خیانت، ابتلا به فساد، انحراف فکری و دینی، سوءاستفاده از مقام و موقعیت، وابستگی به بیگانگان و اجانب، دزدیدن دین مردم،... و ده‌ها صفت ریز و درشتی که هر یک می‌تواند برای فروپاشی اعتماد مردم کفایت کند. این نوع رادیکالیزم که از متن گفتمان جریان محدودی برخاسته چون با مدیریت و پیگیری مواجه نشده و بعضاً با سکوت پر دامنه بخشی از حوزه‌های علمیه همراه گردید، متناوباً به عرصه عمومی گسترش یافت و برخی از اقشار اجتماعی نیز به این ورطه وارد شده و با خطاب قرار دادن بخش‌هایی از روحانیت به نفع بخش‌های دیگر، انواع اتهامات، افتراها و افشاگری‌ها را متوجه روحانیون کردند. هنجاری شدن این روند دامنه این اتهامات را به سوی رسانه‌ها، محافل و مراسم مذهبی گسترش داد به گونه‌ای که بخشی از تریبون‌داران مجالس مذهبی تحت عنوان تحلیل، تبیین، تبلیغ دین یا مداحی علناً و با جسارت، بخشی از روحانیون را طعن و لعن کرده و ایرادها و انواع اتهامات را بر آنها مباح می‌دانستند. حتی تعدادی از افرادی که قبلاً در کسوت روحانیون بودند — که به هر دلیل از ایران متواری شدند — در نقد روحانیت اتهامات و افتراهای پر دامنه را در قالب مقاله و کتاب منتشر کرده و یا سخنرانی‌هایی انجام دادند که به سرعت در فضای مجازی منعکس و گسترش یافتند. نمونه این واکنش‌ها در انتشار جزوه‌ای تحت عنوان «ابتدال در مرجعیت شیعه» قابل مشاهده است.

۱. سوره طه، آیه ۴۴، فقولا له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی - اما با او به نرمی سخن بگوئید شاید متذکر شود.

این فرایند که با رویکرد سیاسی آغاز و به سرعت به سوی افراط‌گرایی گسترش یافت، منبع و منشأ بروز رفتارها و عکس‌العمل‌هایی علیه روحانیت می‌گردد که آثار کارکردی و وضعی آن اجتناب‌ناپذیر است. سکوت، تأیید، کم‌توجهی، سیاسی‌کاری، ملاحظه‌کاری، محافظه‌کاری، ترس از دامن‌گیر شدن این آتش، سوءاستفاده سیاسی، بهره‌برداری ابزاری و... در مقابل این سویه جریان‌ات افراطی، آثار کارکردی خود را در بدنه جامعه بر جای گذاشته و منشأ فرسایش اعتماد از یک‌سو و دامن زدن این مسائل از جانب جریان‌های معارض، دین‌گریز، دین‌ستیز و سیاسی از جانب دیگر می‌گردد. بی‌تفاوتی به این روند منشأ تداوم، تعمیق و نهادینگی این الگو است که امروز خود را در ساحت یک الگو در محافل مذهبی تداوم می‌بخشد و کارکردهای اجتناب‌ناپذیر آن باعث افزایش فاصله ذهنی و رفتاری بخش‌هایی از جامعه از روحانیت گردیده است.

### ۳- سبک زندگی روحانیت

از جمله موضوعاتی که اهمیت اجتماعی بالایی در نزد افکار عمومی دارد، الگوی رفتاری و سبک زندگی روحانیت است. روحانیت منادی سبک زندگی مبتنی بر سلامت، پاک‌دستی، صداقت، سادگی و پایبندی به حقوق فردی و اجتماعی بوده و در ذهنیت مردم از روحانیت چنین مختصات غلبه دارد. روحانیت در نگاه مردم با الگوهای رفتاری خود در طول تاریخ، نماد پایبندی به اصول، معیارهای اخلاقی و سبب سادگی و ساده‌زیستی است. برای بخش‌های محدودی از جامعه، همیشه این شک و ذهنیت وجود داشته است که آیا خلوت روحانیت با جلوت آن متفاوت است. پس از انقلاب اسلامی که روحانیت در عرصه اجتماعی حضور فعال‌تری پیدا نمود و بعضاً در صدر امور سیاسی و اجرایی کشور قرار گرفت، ضریب حساسیت‌های اجتماعی نسبت به روحانیت به نسبتی فزاینده افزایش یافت. نقش جریان‌های معارض در برجسته‌سازی این حساسیت‌ها و انتشار اخبار ناصحیح، جهت تصویرسازی منفی از روحانیت و فرسایش اعتماد عمومی رویکردهای بوده است که هرگز توقف نداشته است. قطعاً این تبلیغات نمی‌تواند ذهنیت مردم را با دگرگونی مواجه سازد مگر آنگاه که واقعیت‌هایی در رفتار و رویکرد روحانیت پدیدار گردد که گویای تغییر در الگوهای رفتاری، ترجیحات اجتماعی — اقتصادی و یا تغییر در عادت‌واره‌های روحانیت باشد. واقعیت‌ها حاکی از این است که بخش‌هایی از روحانیت یا وابستگان آنها ولو اندک، اقدامات یا الگوهای در رفتار آنها تجلی دارد که با انتظارات عمومی انطباق ندارد. این مسأله همیشه مورد اهتمام علمای

وارسته حوزه به ویژه معلمان اخلاق، مراجع معظم تقلید، امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری بوده و به طلاب و روحانیون ساده‌زیستی و دوری از تجملات را متذکر و یادآوری می‌نموده‌اند. مقام معظم رهبری در درس خارج فقه (در تاریخ ۱۷ بهمن ۹۵) بیان فرمودند: «حرمت اسراف برای همه است، هر کس در هر حدی چه غنی، چه متوسط و چه فقیر ممکن است اسراف کند و اسراف عمل حرام است، این ماشین‌های گران‌قیمت حرام است. توجه کنید، عمل، ورع، اجتهاد، زهد، بی‌رغبتی، نرفتن به دنبال زخارف مادی و زیبایی‌های ظاهری زندگی وظیفه اصلی ماست».<sup>۱</sup> ذهنیت‌های اجتماعی نسبت به عمل برخی از روحانیونی که در نگاه به زندگی و انتخاب سبک زندگی دچار تغییر رویکردی و نگرشی شده‌اند با مشاهده رفتارهایی که مغایر با انتظارات عمومی است، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جامعه رفتارهایی را از بخشی از روحانیون (ولو اندک) مشاهده می‌نماید که با انتظارات اجتماعی تعریف شده از روحانیت، انطباق ندارد. انگاره‌سازی از تغییر سبک زندگی روحانیت با مسائل و ذهنیت‌های دیگری ادغام گردیده و ضریب ذهنیت‌های منفی را تقویت می‌کند. جامعه، سطح اقتصادی روحانیت را با توجه به نقش‌ها و سطح درآمد آنها واجد ظرفیت برای ایجاد زندگی مرفه ارزیابی نمی‌کند. به همین دلیل بهره‌مندی بخشی از روحانیت از چنین مواهب و امتیازاتی را تحت نظر دارد و به مقایسه با بخش محروم جامعه می‌پردازد. «مقایسه‌گرایی» مقدمه ایجاد ذهنیت‌های منفی همچون احساس تبعیض و احساس محرومیت در بخش‌هایی از جامعه خواهد بود که مقدمه رشد نارضایتی‌ها و ناخشنودی‌های سیاسی شده، می‌گردد. وقوع این وضعیت می‌تواند این ناخشنودی‌ها را از حوزه سیاسی به حوزه متولیان و منادیان امر دین سرایت داده و موجب رفتار غیردینی در بخشی از جامعه گردد. بی‌اعتمادی، بدبینی و احساس فاصله نظری و گفتمانی، عارضه کارکردی و تخریب‌کننده‌ای است که در نتیجه این فرایند به فرد و جامعه تحمیل می‌گردد. اگر این بدبینی و احساس فاصله با بخش تأثیرگذار جامعه به عنوان گروه مرجع و متولی امر دین محقق شود، واجد آثار ناگواری است که جبران آن آسان نیست. «شما آقایان باید حافظ حیثیت اسلام باشید. امروز آنچه که به شما احتیاج است، آنچه شما تکلیف دارید و همه روحانیت در سرتاسر کشور، در سرتاسر کشورهای اسلامی وظیفه دارند، این است که حدود اسلام را حراست کنند. امروز اگر یکی از ماها برخلاف مقررات اسلامی، برخلاف احکام اسلامی یک مطلبی از او

۱. مقام معظم رهبری، سایت خبری تحلیلی شهر، تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۹۵

صادر شود، اسلام رو به شکست می‌رود.<sup>۱</sup> امام خمینی (ره) با دقت نظر و هوشمندی احتمال بروز این وضعیت را بارها متذکر شدند و روحانیت را نسبت به سرمایه‌گذاری پردامنه دشمنان برای تغییر در رویکرد، رفتار روحانیت و ایجاد بدبینی در مردم انداز دادند. «[دشمنان] حالا خوفشان صد چندان شده است و دست و پا می‌زنند به اینکه شما را آلوده بکنند و پیش ملت، باز شماها را یک‌طوری بکنند که مردم از شما روی‌گردان بشوند و شما را هم بگویند که اینها تا حالا چیزی دستشان نبود، حالا که دستشان آمده اینها هم همان‌ها هستند».<sup>۲</sup>

اعتماد سرمایه بزرگ اجتماعی روحانیت است و اگر انتظارات اجتماعی با رفتار روحانیت انطباق نداشته و یا در ذهنیت مردم چنین استنباطی وجود داشته باشد، منبع بزرگ بی‌اعتمادی خواهد بود. «وقتی انتظارات با مجوزهای هنجاری انطباق ندارند، شروط ما در مورد اعتماد مخاطره‌آمیزتر و آماده برای مایوس شدن، عنوان می‌شوند»<sup>۳</sup> (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۰۷). انتظارات اجتماعی می‌توانند ریشه در سنت تاریخی داشته و یا به مسئولیت‌های نقش رجوع داشته باشند و یا ناشی از زیرساخت‌های گفتمانی باشند. مهم انتظاراتی است که شکل می‌گیرد و این انتظارات منشأ مقایسه و ارزیابی است. «انتظارات نرم» از نوع ارزشی و اعتباری بوده و متمرکز بر صداقت، انصاف، خیرخواهی و کمک هستند» (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

آنچه درباره روحانیت اولویتی بنیادین دارد ارزیابی رفتار آنها در جامعه بر مبنای نظامات اعتقادی - اخلاقی، گفتمان دینی، گفتمان انقلابی و باورهایی است که خود روحانیت منادی آن بوده است. ارزیابی‌ها نسبت به روحانیت شاید بُعدی غیرمعمول دارد، اما بیش از هر قشر دیگری الگوهای رفتاری، سبک زندگی و میزان پایبندی هر یک از اعضای روحانیت به طور مستمر با معیارهای نقد و حساسیت مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرد. عادی شدن بهره‌گیری از الگوهای سبک زندگی که با انتظارات اجتماعی انطباق ندارد توسط بخشی از روحانیون (به ویژه اگر از جایگاه برتری برخوردار بوده و یا دارای مسئولیت در حوزه دین، سیاست یا اجرا باشند) منشأ بی‌اعتمادی است. این وضعیت جامعه را از نظر قضاوت و داوری با پارادوکس روش‌شناختی و معرفتی مواجه می‌سازد. نتیجه این پارادوکس و حل آن جز از طریق تعدیل و یا فرسایش سرمایه‌های

۱. امام خمینی (ره) (۱۳۵۸/۴/۲۸)، «سخنرانی در جمع روحانیون کاشان، رفسنجان و تاکستان»، صحیفه امام، جلد ۹، ص ۱۵۰

۲. امام خمینی، (تهران ۱۳۵۸/۶/۲۲)، صحیفه امام، جلد ۹، ص ۵۰۶-۵۰۷، سخنرانی در جمع روحانیون

۳. زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، «اعتماد و نظریه جامعه‌شناختی»، نشر شیراز، چاپ اول

اجتماعی روحانیت یعنی اعتماد و موقعیت مرجع آن امکان‌پذیر نیست. شاید بتوان به صراحت تأکید کرد از نگاه جامعه‌شناختی، مردم تضاد بین گفتمان و رفتار را بیش از هر عاملی درباره روحانیت مورد توجه و داوری قرار داده که برآیند آن به ویژه با توجه به تبانیات ذهنی، منشأ ناخشنودی‌های اجتماعی، احساس فاصله گفتمانی و اجتماعی با روحانیت خواهد شد. رشد «عادت‌واره‌های»<sup>۱</sup> مبتنی بر رفاه‌گرایی، لوکس‌گرایی و مصرف‌گرایی تنها محصول غفلت‌های ناخودآگاه و یا انطباق‌گرایی عادی شده نیست، بلکه خود شاخصی از تغییر در رویکردها، نظامات گفتمانی و ترجیحاتی است که برای بخش‌هایی از جامعه و تعدادی از روحانیت پدیدار گشته است. شاید از نظر ماهوی این تغییرات مذموم نباشند، بلکه آنچه به این بُعد برجستگی آسیب‌شناختی می‌بخشد، ابعاد جامعه‌شناختی این پدیده است که با انتظارات اجتماعی درباره روحانیت انطباق ندارد. «عادت‌واره هم با وضعیت زندگی ساخته شده و هم مولد کنش‌ها، باورها، تمایلات و احساسات است که در تطابق با ساختار (هنجاری) حاکم پدیدار می‌گردد.»<sup>۲</sup> (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۰۶). بازاندیشی اجتماعی نسبت به موقعیت گروه مرجع دینی و قشر تأثیرگذاری به نام روحانیت هنگامی آغاز می‌شود که جامعه بین انتظارات خود با رفتارها، مدعیان و سبک زندگی ترجیحی روحانیت، (ولو بخشی از آن گروه) تغایر و تباین ملاحظه نماید. احساس «تمایز» نقطه آغاز فاصله اجتماعی و گفتمانی جامعه با روحانیت است که خود ریشه در احساس تعارض گفتمانی داشته و رفتار را برآیند و محصول تغییرات گفتمانی و مطلوبیت‌های رفتاری ناشی از آن ارزیابی می‌کند. چنین فرایندی مقدمه تعمیق فاصله ذهنی، نظری و گرایش به سوی مرجعیت‌های جایگزین و بدیل‌های گفتمانی است که می‌تواند مخاطرات معرفتی و اعتقادی گوناگونی را بر فرد و جامعه در چشم‌انداز آینده تحمیل نماید.

#### ۴- برآمدن تمایلات عوامانه، خرافه‌اندیشی و سکوت در مقابل آن

نگاه ابزاری به دین منشأ تمایل به کنش‌های خرافی است که می‌تواند امیال نهان و سرکوب‌شده افراد و یا تمایلات سودانگارانه آنها را با چارچوب‌هایی که مقبولیت اجتماعی می‌یابد، تأمین نماید. در ذات و ماهیت خرافه، فرار از عقلانیت، تعمیق، فریب، جهل، تخریب و تصویر غیرواقعی از دین، ایجاد یأس، سرخوردگی و یا امیدآفرینی‌های کاذب، اسطوره‌سازی‌های استعاره‌ای و دروغین،

<sup>۱</sup>. Habitus

<sup>۲</sup>. گرنفل، مایکل (۱۳۸۸)، «مفاهیم کلیدی پیر بوردیو»، ترجمه مهدی لیبی، نشر افکار

سوءاستفاده، بدعت، انحراف، رفتارهای اغفال‌کننده و مغایر با حقایق دینی و فطرت انسانی، تهی‌سازی افراد از ماهیت حقیقی و مسخ کردن آنان با روش‌ها و شیوه‌های فریبنده و... نهفته است. جریان‌های خرافی در تلاشند از اعتماد دینی مردم سوءاستفاده کرده و با تصویرسازی‌های شبه قدسی و تأکیدات یک‌جانبه و یا بهره‌برداری سوء از علوم غریبه و یا طراحی‌های فریبنده به گونه‌ای وانمود کنند که از تولدایی‌های خاص و یا خارق‌العاده‌ای برخوردارند. خرافه‌اندیشی نه تنها دین و باورهای دینی را به عنوان ابزار در خدمت می‌گیرد بلکه از آن پلی می‌سازد برای تحقق امیال هوس‌آلود خود که مبتنی بر فریب و خردستیزی است. از آنجا که تحجرگرایی مبدأ خشک‌مغزی و خرافه‌اندیشی است، اساساً نسبتی با خرد و اندیشه دینی ندارد، اما این جریان در سایه قدسیت کاذب تلاش دارد از ساحت دین جهت اهداف خود بهره‌برداری کند و مقاصد خویش را پی گیرد. «خوف»، «حیرت» و «جهل» سه عامل مهم در افکار و خیالات خرافی است.» (رضازاده شفق، ۱۳۱۹: ۱۳).

خرافه‌گرایان تصویر و نشانه‌های کاذبی را به جای دین نشانده و با اعمال و رفتارهایی که از اساس با مبانی دینی تغایر دارد، ذهنیت اقشار آگاه جامعه را نسبت به آموزه‌های دینی و یا کانون‌هایی که مبدأ این رویکرد هستند به سوی بدبینی و بی‌اعتمادی سوق می‌دهند. با این تعبیر خرافه‌اندیشی هم منشأ اغواگری، فریب و مفارقت مردم از الگوهای بنیادین دینی می‌شود و هم عاملی است برای ایجاد بدبینی و احساس فاصله بخش‌های آگاه و خردگرای جامعه که دین را در ساحت اندیشه و تفکر مورد تأمل و بازکاوی قرار می‌دهند.

آنچه بیش از خرافه‌گرایی و خرافه‌اندیشی و اغوای مردم می‌تواند موجب بروز کارکردهای منفی باشد، سکوت برخی کانون‌های حوزوی و یا اهمال و بی‌توجهی به جریان‌ها و یا کسانی است که این اندیشه انحرافی را به جامعه معرفی و ترویج می‌نمایند. جامعه ایران به سوی آگاهی حرکت می‌کند و این، مقدمه نگاه عقلانی، خردگرایانه و مستدل به آموزه‌های دینی است. به همین دلیل مردم انتظار دارند منادیان دینی و حوزوی با دقت نظر، نقد دقیق و تصمیمات و برخوردهای به‌هنگام، ساحت دین را از اعوجاج و آغشته شدن به رویکردهای غیرحقیقی پالوده و زلال معرفت دینی را در چارچوب گفتمانی که سرشار از آگاهی، عقلانیت و زیبایی است، به جامعه پویای ایران ارزانی دارد. هر نوع سکوت، ملاحظه‌کاری و بی‌توجهی به این نوع آموزه‌ها، تصویرسازی دینی در نسل‌های جدید را با امتناع، تشکیک، تردید و احساس فاصله نظری مواجه خواهد ساخت. رسالت بنیادین حوزه، اقتضا دارد این رویکردها که ممکن است در پشت آن هزاران تمایلات منحرفانه و یا داستان

پنهان دشمنی و عناد با مبانی دینی و شیعی نهفته باشد، با دقت نظر مورد تأمل و بازکاوی قرار گرفته و جامعه را به این باور برساند که این تفکرات بیش از هر جایی از جانب روحانیت و حوزه مورد رد و امتناع قرار می‌گیرد.

## ۵- مکانیزم‌های دفاع از جامعه در مقابل آسیب‌های اجتماعی

گرچه روحانیت و نهادهای مذهبی، مسئولیتی رسمی برای پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی عهده‌دار نیستند، اما پرورش انسان سالم و جامعه نمونه از آرمان‌هایی است که دین و باورهای دینی بر آن به عنوان یک رسالت و مسئولیت دینی تأکید دارند. پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده و اطلاعات گردآوری شده از کشورهای متفاوت، حاکی از آن است که افراد دین‌دار و مذهبی کمتر در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند و نوعی خودکنترلی را در خود به وجود می‌آورند که از آنها در مقابل آسیب‌ها، جرائم و ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی دفاع و صیانت می‌نماید. «نماز به پا دار که نماز انسان را از فحشا و بدی باز می‌دارد»<sup>۱</sup> آیات و روایات فراوانی وجود دارند که اهمیت، نقش و جایگاه کارکردی دین را برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، تعمیق خودکنترلی و درونی‌سازی نظامات اخلاقی بیان می‌دارند. جامعه دینداران، جامعه محافظت از خویشتن و تعهد به دیگران است، چراکه «مؤمن، تبهکار نیست»<sup>۲</sup>، «بی‌وجدان نیست»<sup>۳</sup>، «بی‌صبر نیست»<sup>۴</sup> و پایداری، صبوری و استقامت در برابر ناملازمات و امور فریبنده از مختصات انسان دیندار به شمار می‌رود. بنابراین باورهای ایمانی، آموزش‌های دینی و صیانت‌های درونی، بزرگ‌ترین بنیان‌ها برای ایجاد جامعه و انسان سالم به شمار می‌روند. اگر آرمان دین، پرورش انسان‌های مورد نظر دین است، جامعه مؤمنین و انسان مؤمن بخش بنیادین رسالت دینی را دربر می‌گیرد که باید برای تعالی بخش روحی و ممانعت از فرو افتادن در حسیض اخلاقی و رفتاری از آن در برابر انواع جریان‌های اغواکننده، دفاع و صیانت شود. روحانیت نقش اساسی در دفاع از جامعه و انسان‌ها در برابر جریان‌های مجرمله و روندهای جرم‌آفرین دارند. اگر انسان را بخش اساسی از حقیقت جهان در نظر آوریم که باید سلوک خود را

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵

۲. سوره مؤمن، آیه ۲۱

۳. سوره ملک، آیه ۱۳

۴. سوره بقره، آیه ۴۵

به سوی معرفت، آگاهی از خویشتن و خالق خویش تداوم دهد، مسئولیت اصلی روحانیت علاوه بر تبیین دینی و ارائه آموزه‌های گفتمانی، صیانت از جامعه مؤمنین است.

سؤالی که اکنون ذهن و ضمیر آگاهان و محققان را به خود مشغول می‌دارد این است که آیا روحانیت که بسط ید مناسب برای انجام اقدامات پیشگیرانه و مشارکت در ارتقاء ظرفیت‌های شخصیتی و معرفتی اجزای جامعه دارد، الگو و برنامه مشخص، مدون و سازمان‌یافته‌ای برای دفاع از نسل‌های جدید در برابر جریان‌های انحرافی اعم از جریان‌هایی که ساحت اندیشه آنان را مورد تهاجم قرار داده‌اند و یا جریان‌هایی که سلامت اخلاقی و رفتاری آنها را هدف قرار داده و آماج انواع تهاجمات نرم و فریبنده کرده‌اند، طراحی و اجرا کرده است. اگرچه ممکن است روحانیت و حوزه‌های علمیه دغدغه‌های فراوانی در این عرصه داشته باشند، اما آیا در ذهنیت اجزای جامعه این تلقی و ارزیابی وجود دارد که حوزه‌ها و روحانیت به دفاع از فرزندان آنان در برابر تهاجمات تخریب‌کننده اقدام یا برنامه‌ای دارند یا خیر؟ واقعیت این است که کارکرد برنامه‌های وعظ، آموزش، آیین‌ها و مناسک‌های مذهبی تماماً برای درونی‌سازی باورهای دینی است اما معمولاً در این نوع اقدامات اقشار دینداران است که انگیزه و آمادگی مشارکتی دارند ولی اکثریت کسانی که به هر دلیل به چنین فرایندی وارد نمی‌شوند، از تمهیدات و برنامه‌های روحانیت و حوزه‌ها محروم هستند. روحانیت از گذشته دور به عنوان پناهگاه، مدافع و حمایت‌گر اجتماعی به شمار رفته و عموم مردم چنین کارکردی را برای روحانیت قائل و در گرفتاری‌ها به آنها رجوع می‌کردند، اما سکوت، انفعال، کم‌توجهی و یا حداقل عدم انعکاس فعالیت‌های روحانیت و یا عدم شکل‌گیری ذهنیت مثبت در جامعه نسبت به تأثیرگذاری و انگیزه‌مندی روحانیت در این عرصه، جامعه را از پاسخگویی به این نیاز بنیادین توسط روحانیت محروم کرده است. این در حالی است که بزرگان دین، روحانیت را پشتیبان و تکیه‌گاه جامعه و مردم تصور و از روحانیون چنین انتظاری را دارند. «صدها سال است که روحانیت اسلام، تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگ سیراب شده‌اند».<sup>۱</sup> آسیب‌های گوناگونی در جامعه ایران نضج یافته و بخشی از جامعه را در خود درگیر کرده است که قطعاً آثار نگونبار خود را بر ساحت اخلاق، پایبندی‌ها و بعضاً اعتقادات آنها بر جای خواهد گذاشت. جامعه انتظار دارد روحانیت با تفهّم نسبت به رنج‌ها و مصائبی که این بخش

۱. امام خمینی(ره)، صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۲۷۵-۲۷۶

از اجتماع به آن ابتلا یافته و یا خانواده‌هایی که فرزندان آنها در معرض این آسیب‌ها هستند، نسبت به دفاع از جامعه به پا خاسته و این موضوع را از اولویت‌های رویکردی و راهبردی خود تلقی نماید، اما جلوه‌ها و واکنش‌های رفتاری برنامه‌ریزی و نهادینه شده روحانیت در این عرصه محسوس نیست. روحانیت این مسئولیت را بیشتر از نهادهای رسمی و دولتی و بعضاً با دید انتقادی مطالبه می‌کنند و از نقش و کارکرد خود تا حدی فاصله گرفته‌اند. این ذهنیت می‌تواند موجب افزایش فاصله جامعه با روحانیت به دلیل احساس تمایزات مسأله‌شناختی و احساس عدم پشتیبانی در هنگامه‌ای که نیاز به پشتیبانی و حمایت فکری و اجتماعی دارد، شود. احساس فاصله اجتماعی مردم، مقدمه و زیرساختی است برای اختلال در روابط مردم و روحانیت و بروز این بلیه مقدمه بروز ذهنیت‌های منفی در جامعه و کشش به سوی کانون‌های بدیلی است که حداقل به لحاظ ظاهری با مردم احساس همدردی و همراهی می‌کنند.

#### ۶- رمزگشایی از ساحت‌های ناپیدا

روحانیت در ایران در موقعیت دینی و قدسی قرار داشته و مردم آنان را تجسم اخلاق، معرفت، همنوایی بین نظر و عمل و پایبند به اصول و بنیان‌های اعتقادی، ارزیابی می‌کنند. بهره‌مندی از چنین موقعیتی بوده است که سطح سرمایه‌های اجتماعی، نفوذ و پذیرش اجتماعی این قشر را افزایش داده و آنها را در موقعیت مرجع و جایگاه والای اجتماعی قرار داده است. جامعه دیندار ایران با چنین ذهنیتی توانست با اعتماد به روحانیت منشأ پایداری، تحول و دگرگونی‌های عظیم سیاسی، ساختاری و اجتماعی گردیده و بنیان‌های نظام اجتماعی و ارتباطی خود را متعاقب یک انقلاب بزرگ اجتماعی سامان بخشد. پیروزی انقلاب اسلامی نقطه اوج چنین تحولات و نقشی بوده است که کماکان بخش‌های قلیل توجهی از جامعه ایران با اتکاء به باورهای اعتقادی، اعتماد و با باور به ضرورت همگرایی با روحانیت در تلاش هستند هم در ساحت‌های دینی تبعیت، همراهی و الگوسازی رفتاری خود را بر مبنای آن سامان بخشند و هم در ساحت‌های اجتماعی و ارتباطی، همگامی و همنوایی خود را تداوم دهند. اما عوامل و زمینه‌هایی به ویژه در دهه اخیر به وقوع پیوسته است که نمی‌توان نقش آنها را در مناسبات اجتماعی نادیده انگاشت. حضور روحانیت در نقش‌های سیاسی و بهره‌گیری از این قشر در جهت مدیریت اجتماعی، اجرایی و سیاسی، خودبه‌خود روحانیت را در معرض فعالیت‌هایی قرار داده است که بخشی از الگوهای رفتاری روحانیونی که واجد نقش‌های

سیاسی، مدیریتی و اجرایی شده‌اند را با داوری، ارزیابی و نقد مواجه ساخته است. مردم، توسعه زیرساختی ابنیه، نهادها، سازمان‌ها و ساختارها که تحت عناوین گوناگون شکل گرفته و در حال گسترش است را به دقت زیر نظر داشته و در مقام مقایسه با قبل برآمده و با دید انتقادی و سؤال از کارکردهای آن در عرصه اجتماع نگاه می‌کنند. این وضعیت با برنامه‌ریزی جریان‌های سیاسی معارض و تلاش آنان برای برجسته‌سازی برخی از اختلالات رفتاری محدودی از افراد منتسب به قشر روحانیت و فضاسازی گسترده در فضای مجازی، شتاب و شدت بیشتری یافته است. این وضعیت می‌تواند در فرآیند زمان افزایش یافته و حساسیت‌هایی در اقشار و گروه‌های اجتماعی خاص پدید آورد. ابعاد کارکردی این روند منشأ رشد اخبار و مطالبی درباره برخی از روحانیون به ویژه روحانیون دارای نقش در عرصه‌های سیاسی، آموزشی و مراکز و کانون‌های مذهبی است. سرمایه‌گذاری جریان‌های متفاوت برای نقد گفتمانی، رفتاری و اخلاقی روحانیت و انعکاس برخی اخبار و وقایع ناخوشایند در عرصه عمومی که گاهی خطاها و یا انتساب‌های رفتاری تخلف‌آمیز با بزرگنمایی، برجسته‌سازی‌های افراطی و یا تهمت، تحت پوشش قرار داده و فضای افکار عمومی جامعه را متأثر می‌سازد، در بخش‌هایی از جامعه به ویژه جریان‌ات‌نخبگی و دانشگاهی، ذهنیت‌هایی را پدید آورد که کماکان این روند استمرار دارد. تعارضات درونی، تدوین و ارائه گزارش‌ها و تحلیل‌های متفاوت در نقد رفتاری روحانیت و یا روحانیون خاص به مرور شدت و شتاب بیشتری یافته که خطاهای برخی از روحانیون بر این روند دامن زده و مکمل ذهنیت‌سازی‌ها و فضاسازی‌های گسترده‌ای شده است که توسط جریان‌های رسانه‌ای وابسته به مخالفان، معارضان دینی و سیاسی روحانیت انجام می‌گردد. برجسته‌سازی رفتارهای تخلف‌آمیز یا خلاف شأن محدودی از روحانیون از یک‌سو، خطاهای وابستگان به روحانیت به ویژه فرزندان و اعضای درجه یک خانوادگی آنان از سوی دیگر به مرور سبب گردید ابعادی از زندگی بخش‌هایی از روحانیت در معرض دید جامعه و مورد قضاوت افکار عمومی قرار گیرد که با نگاه جامعه و تصور آنان از روحانیت مغایرت دارد. این پدیده که در نوع خود جدید است با اقداماتی از جانب وابستگان به روحانیت و یا یکی از اعضای خانواده‌های روحانیون شناخته شده، تکمیل می‌گردد؛ افرادی که با انتشار اخبار گوناگون از درون زندگی روحانیت و بعضاً غیر واقعی، با بزرگ‌نمایی یا با تلفیقی از واقعیت و یا اتهام، ابعاد پنهان و ناپیدای آن را به جامعه معرفی می‌کنند و وانمود می‌نمایند که این واقعیتی تعمیم‌یافته از حقایق زندگی بخشی از روحانیت شیعه است. در عین حال بخش‌هایی از جامعه که در روند زندگی تجاری

و یا مناسبات اقتصادی خود با موانع و محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند مطرح می‌نمایند که در پشت آن چهره‌های منتسب به روحانیت قرار دارند و یا اخباری به دست مردم می‌رسد که حاکی از فعالیت‌های اقتصادی بزرگ، واردات کالاها و یا سرمایه‌گذاری‌های پر دامنه اقتصادی از جانب معدود روحانیون و یا منتسبان به آنان بوده است (ولو برای کارهای خیر یا با پوشش‌های غیر شخصی). بعضاً اخباری درباره برخی از روحانیون دارای جایگاه برتر و مشاغل رسمی منتشر می‌شود که حاکی از رفتارهای تخلف‌آمیز اقتصادی و اخلاقی است که موجب اغتشاش ذهنی و برافروختگی‌های روانی بخش زیادی از جامعه می‌شود. این وضعیت به مرور، روحانیت را در معرض این چالش‌ها قرار داده است — که چرا از خود در برابر این اخبار (که با انتظارات اجتماعی و میثاق مردمی با روحانیت تعارض دارد) به درستی از خویشتن صیانت نمی‌کنند. صرف‌نظر از درستی و یا نادرستی چنین اخباری، آنچه اهمیت دارد شکل گرفتن ذهنیت‌هایی است که در بدنه جامعه جریان دارد و بخش‌هایی از مردم به اخبار و زوایایی از زندگی برخی از روحانیون و یا وابستگان آنها دسترسی پیدا کرده‌اند که با انتظارات اجتماعی مغایرت‌های بنیادین دارد. آشکار شدن این زولیا تنش‌های شناختی و ادراکی متفاوتی را بر مردم تحمیل می‌نماید که واکنش‌های همگان، صیانت و حفاظت از خویشتن برای حفظ و حراست از اعتماد به روحانیت، نیست. بخش‌هایی از جامعه با تعمیم‌گرایی به این نوع تخلفات آن را به کلیت روحانیت تعمیم داده و بدین طریق بی‌اعتمادی فزاینده نسبت به روحانیت، صلاحیت‌ها و پایبندی‌های اخلاقی آنان در ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه آنان پدیدار می‌گردد. دسترسی مردم به این نوع اخبار ذهنیت قدسی آنان نسبت به روحانیت را تضعیف کرده و منشأ افزایش حساسیت‌های اجتماعی، رشد بی‌اعتمادی، نگرش‌های نقادانه و ارزیابی‌های کارکردی نسبت به روحانیت می‌شود. این روند در صورت تعمیق، نه تنها فاصله ذهنی و اجتماعی از روحانیت را افزایش می‌دهد، بلکه منشأ افزایش و گسترش تمایل به آلترناتیوها و بدیل‌های معرفتی - ارزشی و گرایش به منابع معرفتی جایگزین خواهد شد که خود مخاطره‌ای بنیادین به شمار می‌رود که نشانه‌هایی از آن در بخش‌هایی از جامعه جوان، دانشگاهی و نخبگی پدیدار گردیده است. اگر مصلحت‌گرایی دیروز مانع از انتشار اخبار پشت پرده و حفظ حریم بوده است، امروزه اما وضعیت به گونه‌ای رقم می‌خورد که کمتر اخبار و یا وقایعی مکتوم مانده و با توجه به حساسیت جامعه و اهمیت نقش روحانیت، کوچک‌ترین وقایع در جامعه انعکاس و با آگراندیسمان (بزرگنمایی) به یک سوژه بزرگ برای تأثیر بر افکار عمومی تبدیل می‌شود.

## ۷- اختلال در فرایند ساماندهی به رفتارهای اقتصادی و دریافت و مصرف وجوهات

انجام وظایفی از قبیل پرداخت خمس، زکات یا اعمال خیر مثل وقف و انجام کارهای عام‌المنفعه، کمک به احیای امر دین و... از آموزه‌های مسلم و پایدار دینی در جامعه بوده و هست و از طریق همین فرائضی که مردم به آن پایبند بوده و هستند، حوزه‌های علمیه در طول تاریخ قوام گرفته، توسعه یافته و پایدار مانده و موجب نشر معارف اهل بیت گشته و استقلال روحانیت را از دولت‌های حاکم رقم زده است. همیشه روحانیت با اتکاء به پشتوانه مردم توانسته است قوام خود را حفظ و رابطه بین خود و جامعه را تحکیم و زمینه گسترش آئین، دین و معارف الهی را فراهم آورد. مردم دیندار در چارچوب وظایف دینی پرداخت وجوهات خود اعم از خمس (به عنوان سهم امام)، زکات و حتی تمایل به انجام اعمال خیر مثل وقف را کماکان استمرار می‌بخشند. در متن ذهنیت و ضمیر مردم، این باور و اعتقاد درونی نهفته است که از این وجوهات در جهت رفع مسائل، پاسخگویی به نیازهای ضروری دین، ایجاد بنیان‌های لازم برای اعتلای دینی و... بهره‌برداری خواهد شد. روحانیت شیعه نیز در عمل نشان داده است که برای این وجوهات و پاسخگویی به آن در مقابل خداوند با حساسیت و دقت فزاینده، آنها را مدیریت می‌نماید. اما بروز برخی مسائل، منشأ اعوجاجاتی در بخش‌هایی محدود از جامعه شده است که انتشار و تعمیم آن یک مخاطره بزرگ اجتماعی را سبب خواهد شد. از جمله این اختلالات که بعضاً واقعی (ولو محدود) و بعضاً نیز در قالب شایعات منتشر می‌شوند می‌توان به سوءاستفاده از وجوهات از جانب برخی از کسانی که به عنوان وکیل یا واسطه یا عوامل اخذ وجوهات فعالیت می‌کنند اشاره نمود، سوءاستفاده از این وجوهات از جانب برخی افراد محدود و مصرف وجوهات در امور و عرصه‌هایی که با اولویت‌های دینی یا نیازهای جامعه دینی انطباق ندارد، عدم وجود یک نظام منسجم و سیستم صحیح در ثبت و نگهداری از وجوهات، نامعین بودن دامنه گیرندگان و چگونگی مصرف، عدم وجود یک الگوی منظم و ساخت‌یافته برای وضعیت وجوهات پس از فوت مراجع معظم تقلید، تداوم فعالیت و دریافت وجوهات پس از فوت برخی مراجع توسط برخی وکلا و عدم یک سیستم نظارتی صحیح و جامع در برخی موارد و مراکز به علاوه تبلیغات جریان‌ات تکفیری و معاند شیعه نسبت به مسأله خمس از جهت مبانی نظری و مصرف آن و... از جمله موارد، شایعات و اخباری هستند که ذهن جامعه یا بخش‌هایی از جامعه را به خود مشغول کرده است. صرف‌نظر از درستی، نادرستی این اخبار

و یا ابهامات و اقداماتی که دشمنان برای فرسایش موقعیت روحانیت شیعه انجام می‌دهند، ساماندهی به امور مرتبط با این موضوعات در دستگاه‌های وابسته به نهاد روحانیت و مرجعیت ضرورتی است که مورد انتظار جامعه است و برای ممانعت از بسیاری از آسیب‌پذیری‌ها، ضرورتی راهبردی و بنیادین به شمار می‌رود. دامنه شایعات به ویژه توسط جریان‌های دین‌ستیز، معارضان سیاسی، جریان‌های رقیب روحانیت و حتی جریان‌های افراطی و رادیکال، هر روز گستره بیشتری می‌یابد و منشأ آثار و عواقب اجتماعی پر دامنه‌ای بوده و خواهد بود. گرچه عامه مردم هنوز به نهاد روحانیت به عنوان یک گروه مرجع تأثیرگذار اعتماد داشته و کلیه امور خود حتی مسائل شخصی خود را با روحانیون مطرح و برای آن چاره‌اندیشی می‌نمایند، ولی بخشی از روند رو به افول پرداخت وجوهات به ویژه توسط تعدادی از بخش‌های تحصیل‌کرده، طبقات شهری و اقشار متوسط اجتماعی، ریشه در نوع پنداشت آنها نسبت به وجوهات و نحوه مصرف آنهاست. تعمیق این ذهنیت اجتماعی منشأ رشد آسیب‌های گوناگونی برای روحانیت و جایگاه آن خواهد بود که در چشم‌انداز آینده می‌تواند تعمیق گردد و ضرورت چاره‌اندیشی و تدبیر را دو چندان می‌نماید.

### نتیجه‌گیری

مجموع این مباحث و عناوین دیگری که قابل طرح است و می‌توان به آن پرداخت گویای این واقعیت است که به دلیل گستردگی پایگاه‌های دینی، حوزه‌های علمیه، روحانیت و حضور روحانیون در مناصب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری‌های جدید، روحانیت را بیش از گذشته در معرض رصد، نظارت و قضاوت مردم قرار داده است. لذا آسیب‌شناسی و مدیریت آسیب‌ها در عرصه‌های دینی و نهاد روحانیت از مرز ضرورت عبور کرده و به یک الزام حیاتی مبدل شده است. عوامل، بازیگران و زمینه‌های اجتماعی گوناگونی پدیدار گشته‌اند که می‌تواند اختلالات و تهدیدات گوناگونی را متوجه روحانیت و جایگاه و پایگاه اجتماعی آن نماید. این تهدیدات به ویژه متوجه ذهنیت‌ها و پنداشته‌های عمومی هستند که هدف غایی آن تغییر نگرش و ارزیابی‌های عمومی نسبت به روحانیت است. تشکیک مردم نسبت به روحانیت و یا عدم مدیریت ضعف‌ها و آسیب‌هایی که بخشی از آن در این گزارش مورد واکاوی و موشکافی قرار گرفت، می‌تواند عواقب ناگوار و تهدیدات اجتناب‌ناپذیری را در پی داشته باشد. روحانیت شیعه در مهد و کانون اندیشه دینی و باورهای اعتقادی، صیانت از دین و جامعه دینداران قرار گرفته است، با تضعیف روحانیت، مرجعیت

دینی به عنوان یک گروه مرجع تأثیرگذار تغییر یافته، ساحت دین تضعیف می‌گردد و میدان اجتماعی مستعد بروز گرایش‌ها و فرقه‌اندیشی‌های گوناگونی می‌شود که اساس دین را هدف قرار گرفته و غیردین را جایگزین دین و اندیشه‌های دینی خواهد کرد. اندیشه دینی، گفتمان‌های دینی، روش‌شناسی دینی، ارتباطات دینی، گویش و زبان دینی، مسائل دینی، سؤالات دینی و انگیزش‌های دینی در فرایند زمان دچار تحول و دگرگونی می‌شود. روحانیت نیز نیازمند بازاندیشی در روش، رویکرد و کارکردهای خود است تا با ذهنیتی آگاه، نقش و رسالت الهی خود را آنگونه که در تاریخ تشیع تبلور یافته است، ایفا نماید.

تداوم و تعمیق آسیب‌های حادث شده، مخاطرات اجتناب‌ناپذیری را متوجه دین، اندیشه دینی، مرجعیت دینی و گفتمان دینی خواهد کرد و این امر اصلاح نخواهد شد جز در پرتو اراده، خواست و پایبندی عملی به اصول و ارزش‌ها توسط متولیان امر دین و خود نهاد روحانیت.

## منابع

- اشمید الکس، پی (۱۳۹۴)، *افراط‌گرایی خشن و غیرخشن، دو روی سکه*، ترجمه اکبر بتوئی از کتاب افراط‌گرایی در اروپا، سازمان فرهنگ و ارتباطات، انتشارات بین‌المللی الهدی.
- آرتویت، ویلیام و تام، باتامور (۱۳۹۲)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی.
- رضازاده شفق، سادق (۱۳۱۹)، *مبارزه با خرافات*، تهران: نشر بهار.
- روحانیت و حوزه‌های علمیه*، (پیام امام خمینی به مسلمانان در مراسم حج، ۱۳۶۸)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۷)، چاپ چهارم
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، *اعتماد و نظریه جامعه‌شناختی*، نشر شیراز، چاپ اول.
- سایت خبری تحلیلی شهر، ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۹۵، *بیانات مقام معظم رهبری*.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۸)، «*مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*»، ترجمه مهدی لیبی، نشر افکار.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹)، *صحیفه امام* (مجموعه آثار امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، جلد ۹ و ۱.
- هاشمیان، سید محمدحسین و مهدی، مولایی‌آرایی (۱۳۹۴)، *الگوی هنجاری مشترک حوزه علمیه در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور*، دوفصل‌نامه علمی- پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، شماره ۴، بهار و تابستان.